



عاقبت اندیشی

برای گروه های سنی : «ج» و «د»

باز نویسی: فاطمه ایلی

گرد آوری: محمد ابوالحسنی

تصویر گر: الهه پایمرد

سرنشانه: ابوالحسنی - محمد - گردآورنده

عنوان کتاب و پدید آورندگان: مجموعه قصه های بومی استان فارس (عاقبت اندیشی)

پدیدآورندگان: گردآوری: محمد ابوالحسنی - بازنویسی: فاطمه ایلی - تصویرگر: الهه پایمرد

مشخصات نشر: شیراز- مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات میرزای شیرازی (انتشارات میرزای شیرازی)

۱۳۹۱

مشخصات ظاهری: ۴۰ صص (مصور (رنگی)

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۱۰-۴۲-۳

محتوای کتاب: کتاب شامل افسانه ها و داستان های قدیمی ایرانی است

موضوع: افسانه ها و قصه های ایرانی و تاریخی

موضوع: داستان های فارسی- قرن ۱۴

شناسنامه افزوده: ایلی- فاطمه - بازنویسی

شناسنامه افزوده: پایمرد- الهه - تصویرگر

شماره کتبه: ۲۰ ع ۸۲ الف PIR

شماره دیوینس: ۱۳۹۱ ع ۱۷۷ الف ۲۸۸/۲۱

شناسنامه:

عنوان: مجموعه قصه های بومی استان فارس (عاقبت اندیشی)

تهیه و تدوین: کانون پرورش هنر کودکان و جوانان استان فارس

بازنویسی: فاطمه ایلی

تصویر گر: الهه پایمرد

گردآوری: محمد ابوالحسنی

ناشر: مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات میرزای شیرازی (انتشارات میرزای شیرازی)

نوبت چاپ: اول بهار ۱۳۹۱

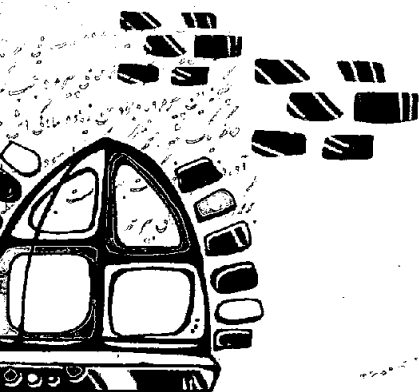
قطع و صفحه: رزیری ۲۰

چاپخانه: فرهنگ

شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۱۰-۴۲-۳





یکی بود یکی نبود. غیر از خدای مهربان
هیچ کس نبود.

در روزگار آن گذشته، در گوشه ای از این
دنای بزرگ، روستایی بود که مردمش
به خوبی و مهربانی و خوش قلبی
شهره ای افاق بودند. شغل مردم این
روستا کشاورزی و دامپروری بود هر یک
از آن ها یا بکه زمین کوچکی داشت یا
گاو و یا گوسفندی.

آن ها گاو و گوسفند ها را در گوشه ای از
حیات خانه نگه می داشتند و با دوشیدن
شیر آن ها و درست کردن ماست و پنیر
و فرستادن آن ها به روستاهای اطراف
روزگار می گذراندند. مردم روستا به
رزق و روزی کمی که خداوند به آن ها
داده بود راضی و خشنود بودند و با
آرامش و رضایت در کنار هم زندگی
می کردند.

در میان مردم این روستا، پیرمرد خوش
قلب و ساده ای بود که مخارج زن و
فرزندانش را با نگهداری از چند
گوسفند و فروختن شیر آن ها بدست
می آورد.

پیرمرد با وجود ضعف و ناتوانی و سن
زیاد، بسیار دانا و مهربان بود. او با مردم
روستا با گشاده رویی برخورد می کرد و
در خانه اش به روی همه باز بود.